

رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی با اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش *

معصومه قاسمی پور کردمحلہ^۱

دکتر سعیده بزازیان^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مطالعه نوع رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی با اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش بوده است. به همین منظور ۱۳۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان شهرستان رشت، به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، در این پژوهش شرکت کردند. از آزمودنی‌ها خواسته شد مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی فراست (FMPS) و مقیاس اضطراب اجتماعی (SPIN) را تکمیل کنند و از والدین آنها خواسته شد تا پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دینا بامریند را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که از بین ۳ سبک فرزندپروری دیکتاتورانه، قاطعانه و سهل‌گیرانه، هیچ کدام اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی نمی‌کند و

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

E-mail: masumeh_ghasemipoor@yahoo.com

۲- استادیار روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

E-mail: bazzazian_s@yahoo.com

رابطه معناداری وجود ندارد. به علاوه از میان ابعاد کمال‌گرایی، تنها ابعاد انتقاد والدینی، تردید در مورد فعالیت‌ها، نگرانی زیاد در مورد اشتباهات، انتظارات والدینی و بعد سازمان‌دهی میزان اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند و بعد معیارهای شخصی توان پیش‌بینی کافی را ندارد. از یافته‌های این پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود که ابعاد کمال‌گرایی بر اضطراب اجتماعی تأثیرگذار است ولی سبک‌های فرزندپروری والدین تأثیری بر اضطراب اجتماعی ندارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند، برای سازمانها و مؤسسات مختلفی از جمله: سازمان آموزش و پرورش، دانشگاهها، مؤسسات درمانی، کلینیکهای روانپزشکی و روانشناسی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: سبک‌های والدینی، کمال‌گرایی، اضطراب اجتماعی، دانش‌آموزان تیزهوش

مقدمه

مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن در زندگی هر انسان، تجارب دوران کودکی وی در محیط خانواده است. فضای خانواده آکنده از مهر و محبت، فداکاری و گذشت، صمیمیت و گرمی و در عین حال گاهی توأم با حسادت و رشک، دشمنی، کینه‌توزی، نفرت و خشم است. کودکان در جریان اجتماعی شدن این گونه عواطف را در کنار والدین و خواهران و برادران خود تجربه می‌کنند (احدی و جمهری، ۱۳۸۲). یکی از رویکردهایی که به چگونگی تأثیر والدین و فرزندان می‌پردازد، شیوه‌های فرزندپروری است. سبک‌های فرزندپروری را یکی از ویژگی‌های والدین می‌دانند که با تعدیل اعمال خاصی که والدین انجام می‌دهند و تغییر تجربه‌پذیری فرزندان در فرایند اجتماعی شدن، بر کوشش‌های والدین برای اجتماعی کردن فرزندان تأثیر می‌گذارند (ماندارا، ۲۰۰۳؛ نقل از بشارت و عزیزی و حسینی، ۱۳۸۹). بامریند، معروفترین سبک‌های فرزندپروری خانواده را ارائه داده است. او سبک‌های فرزندپروری را شامل سه سبک اقتداری (Authoritative)، آمرانه (استبدادی) (Authoritarian) و سهل‌گیر (Permissive) می‌داند (ماندارا، ۲۰۰۳؛ نقل از بشارت و عزیزی و حسینی، ۱۳۸۹).

سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روشهای کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشد (دیار، ۲۰۰۵؛ نقل از شهامت و ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹).

شناسایی متغیرهای روانشناختی، مخصوصاً متغیرهای شخصیتی، مرتبط با سلامت و بیماری جسمانی مورد توجه پژوهشگران قلمروهای روانشناسی و سلامت بوده است. کمال‌گرایی (Perfectionism)، یکی از این متغیرهای تاثیرگذار بر وضعیت سلامت و بیماری است. مطالعات مربوط به چگونگی رابطه کمال‌گرایی با سلامت روانی سابقه‌ای طولانی دارد و پژوهشهای متعدد این رابطه را تأیید کرده‌اند (میکس و مورل و مهل، ۲۰۰۰؛ پتیت و کلین و جنکوز و جنکوز و جویئر، ۲۰۰۲؛ نقل از بشارت و عسگری و علی بخشی و موحدی نسب، ۱۳۸۹). تمایلات کمال‌گرایانه‌ای که در کودکی شکل گرفته‌اند، بعدها در چارچوب روابط اجتماعی، به ویژه در موقعیت‌های تنیدگی‌زا، گسترش می‌یابند و رفتار و عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (هاماچک، ۱۹۷۸؛ به نقل از بشارت و نادعلی و زبردست و صالحی، ۱۳۸۷).

اضطراب اجتماعی (Social anxiety)، یکی از انواع اختلالات اضطرابی است و امروزه توجه بسیاری از کارشناسان را به عنوان یک اختلال گسترده و قابل درمان، به خود جلب کرده است. اضطراب اجتماعی، نشانگر میزان تمایل به مضطرب بودن در موقعیت‌های اجتماعی است و مبین ترس از طرد شدن از سوی دیگران نیز می‌باشد (زارب، ۱۳۸۳). اختلال اضطراب اجتماعی، به ترس آشکار و پیوسته از موقعیت‌های اجتماعی یا عملکردی اشاره دارد و از این باور فرد ناشی می‌شود که او در این موقعیت‌ها به طرز خجالت‌آور یا تحقیرآمیزی عمل خواهد کرد. افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی به طور معمول از موقعیت‌های ترس‌آور پرهیز می‌کنند و به ندرت خود را مجبور به تحمل موقعیت اجتماعی یا عملکردی می‌نمایند، اما اگر با این موقعیت‌ها روبرو شوند دچار اضطراب شدیدی خواهند شد (رینگولد و هربرت و فرانکلین، ۲۰۰۳؛ نقل از خیر و استوار، ۱۳۸۶).

بر اساس پژوهشهای انجام شده، شیوه‌های فرزندپروری با اضطراب اجتماعی و هراس اجتماعی فرزندان به هم مرتبطند. به عنوان مثال کلونسکی و داتون و لایبل نشان داده‌اند که پدران دانشجویان دختر که اضطراب اجتماعی بالایی دارند طردکننده و بی‌توجه هستند و از قوانین انطباقی سلطه‌گرانه‌ای استفاده می‌کنند و مادران آنها یا بسیار بی‌توجه و یا بیش از حد حمایت‌کننده هستند (کلونسکی و داتون و لایبل، ۱۹۹۰؛ نقل از رئیسی، ۱۳۸۳). همچنین در مروری گسترده، توسط رایپی، پیشنهاد شده است که رفتارهای منفی والدین با سطوح بالای اضطراب و افسردگی همراه شده است. به علاوه برخی شواهد پیشنهاد می‌کنند که طرد، فقدان گرمی هیجانی و حمایت بیش از حد ممکن است خطر رشد درونی کردن مشکلات (اضطراب و افسردگی) و بیرونی کردن را بیشتر کند (موریسو میسترزو وندن برگ، ۲۰۰۳؛ نقل از رولوفز، مسترز، هومه و همکاران، ۲۰۰۶). بارانف و تیان (۲۰۰۷) در «بررسی مسائل روان‌سنجی و پرسشنامه طرح‌واره جوان در استرالیا» نشان دادند که تعاملات ناکارآمد والدین

پیش بین بسیار خوبی برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعاملات کمتر کودکان در روابط بین فردی آینده است. بندلو و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که در افرادی با اضطراب اجتماعی، تنبیه از سوی والدین شدیدتر و فراوان‌تر گزارش شده است، آنها پدرانشان را در حوزه سلطه‌گری و عدم محبت و مراقبت بالاتر مشخص کردند و مادرانشان را افرادی با ویژگی ضعیف می‌دانستند که خودمختاری آنان را محدود می‌کردند و عشق و مراقبت آنها ناکافی بود. همچنین نتایج پژوهش لیب و همکاران (۲۰۰۷) حاکی از آن بود که بزرگسالانی با اختلالات اضطرابی، خصوصاً اضطراب اجتماعی با توجه به گذشته، والدینشان را به عنوان طردکننده یا بیش‌حمایت‌گر معرفی کرده‌اند. هر دوی این ویژگی‌های تربیتی چه تنها و چه در ترکیب، ممکن است در مشکلات بعدی مربوط به تعاملات میان فردی و موقعیت‌های اجتماعی، نقش داشته باشند. چنانچه طرد بالای والدینی و بیش‌حمایتی بالای آنها، به طور معناداری با نرخ‌های افزایش یافته اضطراب اجتماعی فرزندان، همراه شده است.

طبق نتایج به دست آمده از پژوهش اوربیک، هاو، ولبرگ و گرف (۲۰۰۷) فقدان مراقبت والدینی و بیش‌حمایتی آنها (هم پدر و هم مادر) ارتباط معناداری را با اضطراب اجتماعی نشان داد به علاوه نتایج این مطالعات ثابت کرد که فقدان مراقبت مادران و پدران و بیش‌حمایتی والدین، یک عامل خطر در اختلالات اضطرابی می‌باشد. (هویت و فلت، ۲۰۰۲؛ نقل از عبدخدائی و مهram و ایزانلو ۱۳۹۰) در بررسی «رابطه کمال و استرس در آسیب‌شناسی روانی» نشان دادند کمال‌گرایی خودمختار در تعامل با استرس اجتماعی می‌تواند اضطراب را پیش‌بینی کند. (فروست و دی بارتولو، ۲۰۰۲؛ نقل از عبدخدائی و مهram و ایزانلو، ۱۳۹۰) به «ارزیابی جنبه‌های مختلف کمال‌گرایی و رابطه آن با اضطراب» پرداخته و دریافتند که کمال‌گرایی جامعه‌مدار، که همراه با شک درباره عملکرد و نگرانی درباره ارتکاب اشتباه است با اضطراب رابطه دارد.

سوینس و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی «رابطه کمال‌گرایی و کنترل روانشناختی والدین با کمال‌گرایی فرزندان» را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که والدینی که با استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها مشخص می‌شوند بیشتر احتمال دارد درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند و والدین کمال‌گرایی خود را در سبک فرزندپروری شان به نمایش می‌گذارند. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و آرمان‌هایی را که خودشان نتوانسته‌اند به آنان برسند برای فرزندان خود بکار ببرند و رفتارهای آنان را بصورت انتقادی ارزیابی کنند و درگیر فنون کنترل روانشناختی که یکی از مؤلفه‌های فرزندپروری است، شوند.

طبق پژوهش کاوامورا و هانت و فراست و دیبارتلو (۲۰۰۱) کمال‌گرایی یا سبک‌ارزیابی فرد، ممکن است روی رشد و نگهداری اضطراب در مورد ترس‌های ارزشیابی مؤثر واقع شود، که در اضطراب صفت، نگرانی و اضطراب اجتماعی رایج هستند. یافته‌های پژوهش بولیک و همکاران (۲۰۰۳)، نشان داد که زیرمقیاس‌های تردید در مورد فعالیت‌ها با اختلالات خوردن و اضطرابی همراه شده است. در مطالعه دیگری فروست و دی‌بارتولو، ۲۰۰۲؛ به نقل از عبدخدائی و مهرا و ایزانلو، ۱۳۹۰) دریافتند که کمال‌گرایی جامعه‌مدار، که همراه با شک‌درباره عملکرد و نگرانی درباره ارتکاب اشتباه است با اضطراب رابطه دارد

همچنین نتایج تحقیقی نشان داد که افرادی با اضطراب اجتماعی در زیرمقیاس‌های نگرانی زیاد در مورد اشتباهات، تردید در مورد فعالیتها و انتقاد والدینی، در مقایسه با افرادی از گروه کنترل و افرادی با دیگر اختلالات اضطرابی، نمرات بالاتر را به دست می‌آورند (بانرج، ۲۰۰۵؛ به نقل از برادران، ۱۳۸۴). در مطالعه دیگری (صابونچی و همکارانش، ۱۹۹۹؛ نقل از برادران، ۱۳۸۴) در مقایسه یک گروه از افراد با اضطراب اجتماعی و یک گروه از افراد با اختلال وحشت زدگی همراه با آگورافوبیا دریافتند که افراد مضطرب اجتماعی در زیرمقیاس‌های نگرانی زیاد در مورد اشتباهات و تردید در مورد فعالیتها نمره بالاتری به دست آوردند.

با توجه به مطالب عنوان شده به نظر می‌رسد اضطراب اجتماعی می‌تواند متأثر از سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی دانش‌آموزان باشد. بنابراین بر اساس مطالب یاد شده و نتایج تحقیقات، پژوهش حاضر بر آن است تا به سوال زیر پاسخ دهد که: آیا بین سبک‌های فرزندپروری والدین و میزان کمال‌گرایی با اضطراب اجتماعی فرزندان در نمونه ایرانی رابطه وجود دارد؟ برای این اساس فرضیه‌های زیر تدوین و بررسی شدند:

- بین هر یک از شیوه‌های فرزندپروری و زیرمقیاس‌های اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

- بین هر یک از ابعاد کمال‌گرایی و اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

- ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های فرزندپروری سهم قابل توجهی از واریانس زیرمقیاس‌های اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستان تیزهوشان فرزنانگان شهرستان رشت، که در سال ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌داد. جمعیت یاد شده بالغ بر ۳۱۴ نفر بود. از آن میان ۱۳۵ نفر که در مقطع اول، دوم و سوم دبیرستان در رشته‌های تجربی و ریاضی مشغول به تحصیل بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. بنابراین ۵۲ نفر از مقطع اول دبیرستان، ۲۹ نفر از مقطع دوم تجربی، ۱۱ نفر از مقطع دوم ریاضی، ۲۶ نفر از مقطع سوم تجربی و ۱۷ نفر از مقطع سوم ریاضی، انتخاب شدند. دامنه سنی افراد نمونه ۱۵ تا ۱۷ ساله بود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی شد و دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه آمرانه و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند، مربوط می‌شود. این مقیاس از ۰ تا ۴ نمره گذاری می‌شود (ساعتچی و کامکاری و عسکریان، ۱۳۸۹).

در پژوهشی که اسفندیاری در سال ۱۳۷۴ انجام داد تا امکان تغییر شیوه‌های فرزندپروری والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را بررسی کند، از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی خواست تا میزان اعتبار هر جمله از پرسشنامه را مشخص نمایند. نتیجه نشان داد پرسشنامه دارای اعتبار صوری می‌باشد. وی برای تعیین پایایی پرسشنامه، از جمعیت مورد مطالعه خواست تا پرسشنامه مذکور را تکمیل نمایند و بعد از گذشت مدت یک هفته مجدداً پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل شد. میزان پایایی برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه دیکتاتورمآبانه ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳، به دست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴؛ به نقل از شمس‌نیا، ۱۳۸۵).

پرسشنامه کمال‌گرایی چند بُعدی فراست (FMPS) (Frost Multidimensional

Perfectionism Scale)

فراست و همکارانش در سال ۱۹۹۰ در برابر مفهوم تک بُعدی کمال‌گرایی، مفهوم چند بُعدی کمال‌گرایی را مطرح کردند که برای سنجش این ابعاد پرسشنامه کمال‌گرایی چند بُعدی فراست (FMPS)، را طراحی کردند. این پرسشنامه شامل ۳۵ جمله می‌باشد که مربوط به ۶ بعد است ابعاد

آن شامل: بعد نگرانی زیاد در مورد اشتباهات (CM)، بعد تردید در مورد فعالیت‌ها (D)، بعد انتظارات والدینی (PE)، بعد انتقاد والدینی (PC)، بعد معیارهای شخصی (PS) و بعد سازماندهی (O)، می‌باشد. در مقابل هر سوال پیوستاری از کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم قرار گرفته است که از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌گردد. از جمع نمرات سؤالات مربوط به هر زیر مقیاس، نمره آن زیر مقیاس و از جمع نمرات زیر مقیاس‌ها، نمره کلی به دست می‌آید (اکتوبر، ۱۹۹۷؛ به نقل از بیطرف، ۱۳۸۷).

پرسشنامه اضطراب اجتماعی (SPIN) (Social Phobia Inventory)

پرسشنامه هراس اجتماعی یک مقیاس خودسنجی ۱۷ ماده ای است که دارای سه مقیاس فرعی، ترس (۶ ماده)، اجتناب (۷ ماده) و ناراحتی فیزیولوژیک (۴ ماده) است و در آن هر ماده براساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای به هیچ وجه (۰)، کم (۱)، تا اندازه ای (۲)، زیاد (۳) و خیلی زیاد (۴) درجه بندی می‌شود. براساس نتایج، برای تفسیر نمرات، نقطه برش ۴۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۰٪ و نقطه برش ۵۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۹٪، افراد مبتلا به هراس اجتماعی را از افراد غیرمبتلا متمایز می‌کند (کا نور و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹).

این پرسشنامه از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است. اعتبار آن با روش بازآزمایی در گروه‌های با تشخیص هراس اجتماعی برابر با ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ بوده و ضریب همسانی درونی آن (ضریب آلفا) در یک گروه بهنجار ۰/۹۴ گزارش شده است و برای مقیاسهای فرعی ترس ۰/۸۹، اجتناب ۰/۹۱ و ناراحتی فیزیولوژیکی ۰/۸۰، گزارش شده است. روایی سازه در مقایسه نتایج این آزمون، در دو گروه از آزمودنی‌های با تشخیص اختلال هراس اجتماعی و آزمودنی‌های گروه افراد بهنجار بدون تشخیص روان پزشکی بررسی شد که تفاوت معناداری با هم نشان ندادند که این خود حاکی از اعتبار سازه بالاست (افضلی، ۱۳۸۷؛ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹).

برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه اول و دوم از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آن به

صورت ماتریس همبستگی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین شیوه‌های فرزندپروری، ایجاد کمال‌گرایی و مؤلفه‌های اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۱													
۲	۰/۴۹۰	۱												
۳	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱											
۴	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱										
۵	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱									
۶	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱								
۷	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱							
۸	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱						
۹	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱					
۱۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱				
۱۱	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱			
۱۲	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱		
۱۳	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱	
۱۴	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰	۱

۱۰/۰ > p < .۰۵

۱۰/۰ > p < .۰۵

۱۰/۰ > p < .۰۵

بر اساس نتایج جدول ۱ بین شیوه‌های و زیر مقیاس‌های اضطراب اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول رد شد. در خصوص فرضیه دوم نتایج ماتریس همبستگی پیرسون بین ابعاد کمال گرایی و اضطراب اجتماعی نشان داد که زیر مقیاس‌های ترس، اجتناب، ناراحتی فیزیولوژی و نمره کل اضطراب اجتماعی با ابعاد نگرانی زیاد در مورد اشتباهات، تردید در مورد فعالیت‌ها، انتقاد والدینی، و نمره کل کمال گرایی در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($p < 0.01$) رابطه‌ی معناداری دارد. درخصوص بررسی فرضیه سوم، با توجه به آنکه در این پژوهش سبک‌های فرزندپروری با اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی نشان نداد، جهت بررسی قابلیت تبیین مؤلفه‌های مورد بررسی در اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش، تنها ابعاد کمال گرایی به عنوان متغیر پیش بین در رگرسیون گام به گام وارد شد. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام ابعاد کمال گرایی بر اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش

شاخصها مدل	R	R ²	B	خطای استاندارد	β	t	سطح معناداری
بعد انتقاد والدینی (PC)	۰/۴۳	۰/۱۸	۱/۴۷۶	۹/۴۶	۰/۴۰۷	۴/۸۵۶	۰/۰۰۰۱
تردید در مورد فعالیتها (D)	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۷۵۷	۸/۸۴	۰/۲۵۸	۳/۴۵۹	۰/۰۰۱
نگرانی زیاد در مورد اشتباهات (CM)	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۴۰۶	۸/۶۸	۰/۲۶۲	۳/۱۹۲	۰/۰۰۲
انتظارات والدین (PE)	۰/۵۹	۰/۳۵	-۰/۵۴۱	۸/۵۵	-۰/۲۱۷	-۲/۶۷۸	۰/۰۰۸
سازماندهی (O)	۰/۶۱	۰/۳۸	۰/۴۳۸	۸/۳۸	۰/۱۸۱	۲/۴۹۷	۰/۰۱۴

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در پیش بینی اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان در مدل اول نشان داد که این متغیر ۰/۱۸ درصد واریانس نمره کل اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند. در مدل دوم با توجه به میزان R² می‌توان بیان کرد وارد کردن ابعاد جدید کمال گرایی قابلیت تبیین واریانس نمره کل اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان را به ۰/۲۹ درصد افزایش می‌دهد. بر این اساس افزودن ابعاد بعدی کمال گرایی در مدل سبب بالا رفتن قابلیت تبیین اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان شد. همان طوری که در مدل پنج مشاهده می‌شود بعد سازماندهی ۰/۳۸ درصد از نمره کل اضطراب اجتماعی را تبیین می‌کنند. همچنین با توجه به میزان Beta و نمره t و سطح معنی داری می‌توان بیان نمود که پنج مدل ارائه شده ابعاد انتقادی والدین، تردید در مورد فعالیت‌ها، نگرانی زیاد در مورد

اشتباهات، انتظارات والدین و بعد سازمان دهی، میزان اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند و سایر ابعاد کمال‌گرایی به دلیل اینکه توان پیش‌بینی کافی را نداشته‌اند از معادله رگرسیون خارج شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، بین سبک‌های فرزندپروری والدین و اضطراب اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. اکنون نگاهی به نتایج به دست آمده در مقایسه با پیشینه‌های موجود می‌اندازیم. همان‌طور که گفته شد، پژوهش‌های بسیاری، شیوه‌های تربیتی والدین را در اضطراب اجتماعی فرزندان مؤثر دانسته‌اند. یافته‌های تحقیق با یافته‌های لیب و همکاران (۲۰۰۷)؛ (کلونسکی و داتون و لایبل، ۱۹۹۰؛ نقل از رئیسی، ۱۳۸۳)؛ اوربیک، هاو، ولبرگ و گرف (۲۰۰۷)؛ موریسو میسترزو و نندن برگ ۲۰۰۳؛ نقل از رولوفزو همکاران، ۲۰۰۶)؛ بارانف و تیان (۲۰۰۷)؛ بندلو و همکاران (۲۰۰۴)، همخوانی ندارد. بنابراین فرضیه اول مبنی بر این که بین هر یک از شیوه‌های فرزندپروری و زیر مقیاس‌های اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد، تأیید نشد در تبیین این یافته می‌توان گفت، پژوهش‌های گذشته، افراد عادی را مورد بررسی قرار دادند ولی نمونه تحقیق حاضر، دانش‌آموزان تیزهوش بودند. در مدارس تیزهوشان به دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش ابراز وجود و... داده می‌شود. از سوی دیگر این دانش‌آموزان خود را برتر از دیگران می‌دانند و سعی می‌کنند، در اجتماعات شرکت کنند و نظر بدهند، تا برتری خود را به دیگران ثابت کنند. همچنین دانش‌آموزان در سنین نوجوانی علاقمند به مستقل شدن هستند و به سمت دوستان‌گرایی‌اش داشته و بیشتر از همسالان، دوستان و وسائل ارتباط جمعی مثل تلویزیون تأثیر می‌پذیرند و از آنها تقلید می‌کنند. با توجه به بلوغ عاطفی و روانی آنها و از آنجایی که در دبیرستان مرتب جلساتی برگزار می‌شد که در آن، به والدین آموزش داده می‌شود. در کل، بلوغ عاطفی و روانی دانش‌آموزان از یک سو و آموزش‌هایی که به والدین در زمینه مهارت‌های فرزندپروری، مسائل و مشکلات نوجوانان تیزهوش و چگونگی رفع آنها در مدرسه داده می‌شود از سوی دیگر باعث شد که نمونه مورد بررسی متفاوت از نمونه افراد یا دانش‌آموزان عادی باشد. همچنین به نظر می‌رسد والدین با توجه به آموزش‌های داده شده، به این سمت‌گرایش داشتند که سبک فرزندپروری خود را دموکراتیک گزارش کنند. بنابراین فرضیه اول تأیید نشد و بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی رابطه‌ای به دست نیامد. به نظر می‌رسد نحوه و میزان ارتباط شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی دقیقاً مشخص نیست و ممکن است متغیر یا متغیرهای دیگری در این میان نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کنند.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه دوم و فرضیه سوم، حاکی از وجود رابطه معناداری بین ابعاد کمال گرایی با زیرمقیاس‌های اضطراب اجتماعی بود. یافته‌های تحقیق با یافته‌های کاوامورا و هانت و فراست و دیبارتلو (۲۰۰۱)؛ بولیک و همکاران (۲۰۰۳)؛ (فروست و دی بارتولو، ۲۰۰۲؛ نقل از عبد خدائی و مهرام و ایزانلو، ۱۳۹۰)؛ (بانرج، ۲۰۰۵؛ نقل از برادران، ۱۳۸۴)؛ (صابونچی و همکارانش، ۱۹۹۹؛ نقل از برادران، ۱۳۸۴)، هم سو است و بین زیر مقیاس‌های ترس، اجتناب، ناراحتی فیزیولوژی و نمره کل اضطراب اجتماعی با ابعاد نگرانی زیاد در مورد اشتباهات (CM)، تردید در مورد فعالیت‌ها (D)، انتقاد والدینی (PC)، و نمره کل کمال گرایی رابطه معناداری وجود دارد و ابعاد انتقاد والدینی (PC)، تردید در مورد فعالیت‌ها (D)، نگرانی زیاد در مورد اشتباهات (CM)، انتظارات والدینی (PE) و بعد سازمان دهی (O) میزان اضطراب اجتماعی دانش آموزان را تبیین می‌کند و این ابعاد، قدرت پیش بینی اضطراب اجتماعی را دارند، که در مورد ابعاد نگرانی زیاد در مورد اشتباهات (CM)، تردید در مورد فعالیت‌ها (D) و انتقاد والدینی (PC)، اینها موافق با یافته‌های پژوهشی بودند چنانچه گفته شد رابطه معنادار اضطراب اجتماعی با این سه بعد در اکثر پژوهش‌های گذشته دیده شد برای تبیین می‌توان گفت نگرانی زیاد در مورد اشتباهات، در واقع ترس از انجام اشتباه در حضور دیگران است، یعنی همان خصیصه افراد مضطرب اجتماعی. این افراد اشتباهات بیشتری از سایر افراد انجام نمی‌دهند، بلکه آنها عملکرد خود را کم ارزیابی می‌کنند و این نوع کم برآورده کردن و عدم همخوانی آن به اینکه نباید کار را به اشتباه انجام دهند و ترس از ارزیابی منفی دیگران در نتیجه اضطراب اجتماعی را در این افراد می‌افزاید در مورد تردید در مورد فعالیت‌ها (D) می‌توان گفت این بعد، تردید در مورد کیفیت عملکرد خود است یعنی افرادی که در این زیر مقیاس نمره بالاتری دارند همواره عملکرد خود را در حد کامل نمی‌بینند و حتی اگر به بهترین نحو عمل کنند، باز هم در شروع هر عملی تردید به خود راه می‌دهند این افراد بیش مردد در مورد اعمال دچار اضطراب عملکرد هم می‌شوند. زیر مقیاس انتقاد والدینی، تمایل به درک کردن والدین به عنوان انتقادگر است افراد مضطرب اجتماعی معمولاً والدین خود را به صورت انتقادگر معرفی می‌کنند. بعد انتظارات والدینی (PE) که در واقع درکی است که کودکان از انتظارات والدینی دارند در این مورد پیشینه ای به دست نیامد اما نتایج تحقیق حاضر، این بعد را پیش بینی کننده اضطراب اجتماعی می‌داند. اما می‌توان گفت که شاید وقتی کودکان دریابند که انتظارات والدینشان از آنها بالاست، احساس عدم توانایی کنند و گاهی این احساس منجر به کاهش عزت نفس در کودکان شده و موجب اضطراب اجتماعی در آنها می‌شود. بعد سازماندهی که در آن افراد تمایل به نظم و ترتیب دارند و وقتی این افراد در جمع قرار می‌گیرند دچار ناراحتی فیزیولوژیکی می‌شوند و از آن جمع اجتناب می‌کنند. در مورد بعد معیارهای شخصی (PS) هم پیشینه ای به دست نیامد و نتایج

پژوهش حاضر نشان داد که این بعد قدرت‌پیش‌بینی اضطراب اجتماعی را ندارد. اما می‌توان به این نکته اشاره نمود که این بعد جزء کمال‌گرایی انطباقی محسوب می‌شود و نباید انتظار داشت که نقش قابل توجهی در اضطراب اجتماعی ایفانماید. اما به طور کلی می‌توان به این نکته اشاره نمود که سهم کمال‌گرایی در اضطراب اجتماعی بیشتر از سهم سبک‌های فرزندپروری والدین است.

این تحقیق همچنین با محدودیت‌هایی مواجه بود. از آن جمله می‌توان به طرح پژوهشی اشاره کرد. از آنجا که طرح تحقیق از نوع همبستگی است، امکان نتیجه‌گیری علی‌امکان پذیر نیست. محدودیت دیگر استفاده از ابزارهای خودگزارشی است. در نتیجه همسو با سایر تحقیقات انجام شده با استفاده از این نوع ابزارها، امکان سوگیری‌هایی وجود دارد به عنوان مثال، ممکن است عده‌ای بهتر از آنچه هستند خود را نشان دهند یا نسبت به آنچه ابزار خودسنجی می‌سنجد، بینش درستی نداشته باشد. از طرف دیگر محدود بودن جامعه به دانش‌آموزان تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. در نظر نگرفتن تفاوت‌های فرهنگی و قومی در این پژوهش، می‌تواند از دیگر محدودیت‌ها باشد. همچنین در این پژوهش فقط دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی در مقاطع دوم و سوم و مقطع اول دبیرستان مورد مطالعه قرار گرفتند و دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و مقطع پیش‌دانشگاهی به دلیل حاضر نبودن آنها در دبیرستان مورد بررسی قرار نگرفتند.

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، استفاده از سایر شیوه‌ها مثل مصاحبه یا انجام دادن مطالعات کیفی در تحقیق پیشنهاد می‌شود، همبستگی مثبت و منفی بین متغیرها ممکن است ناشی از علت‌های دیگری باشد که تنها از طریق پژوهش‌های مقطعی نمی‌توان به آنها پی برد، در این راستا انجام دادن مطالعات طولی می‌تواند کمک‌کننده باشد. استفاده از پرسشنامه‌های دیگر کمال‌گرایی، شیوه‌های فرزندپروری و یا اضطراب اجتماعی در پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود. همچنین توصیه می‌شود این موضوع با دانش‌آموزان و دانشجویان سنین مختلف و تمامی رشته‌های تحصیلی مورد بررسی و آزمون قرار گیرد.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند، برای سازمانها و مؤسسات مختلفی از جمله: سازمان آموزش و پرورش، دانشگاهها، مؤسسات درمانی، کلینیک‌های روانپزشکی و روانشناسی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

۱. احدی، حسن. جمهوری، فرهاد. (۱۳۸۲). روانشناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: نشر بنیاد.
۲. برادران، مجید. (۱۳۸۴). مقایسه رابطه کمال گرایی با عزت نفس در نخبگان علمی، ورزشی و افراد غیرنخبه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.
۳. بشارت، محمد علی. عزیزی، کورش. حسینی، سیده اسماء. (۱۳۸۹). رابطه کمال گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری. مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۴(۸)، ۲۹-۹.
۴. بشارت، محمدعلی. عسگری، علی. علی بخشی، زهرا. موحدی نسب، علی اکبر. (۱۳۸۹). کمال گرایی و سلامت جسمانی: اثر واسطه ای عواطف مثبت و منفی. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۲۶، ۱۳۶-۱۲۳.
۵. بشارت، محمد علی. نادعلی، حسین. زبردست، عدرا. صالحی، مریم. (۱۳۸۷). کمال گرایی و سبک‌های مقابله با تنیدگی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۱۷، ۱۷-۷.
۶. بیطرف، شبنم. (۱۳۸۷). رابطه سبک‌های والدینی با کمال گرایی بزرگسالان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.
۷. خیر، محمد. استوار، صغری. (۱۳۸۶). ارتباط میان اضطراب اجتماعی و سوگیری‌های شناختی در نوجوانان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۳، ۲۶۳-۲۵۶.
۸. رئیسی، امین. (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سلامت روانی در دانش آموزان دختر پایه اول مقطع دبیرستان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه اصفهان.
۹. زارب، ژانت، م. (۱۳۸۳). ارزیابی و شناخت- رفتاردرمانی نوجوانان. محمد خدایاری فرد و یاسمین عابدینی، مترجمان. تهران: انتشارات رشد.
۱۰. ساعتچی، محمود. کامکاری، کامبیز. عسکریان، مهناز. (۱۳۸۹). آزمونهای روانشناختی. تهران: نشر ویرایش.
۱۱. شمس نیا، اعظم. (۱۳۸۵). رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سطح نگرانی نوجوانان شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.
۱۲. شهامت، فاطمه. ثابتی، علیرضا. رضوانی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۱(۲)، ۲۵۴-۲۳۹.

۱۳. عبدخدائی، محمد سعید. مه‌رام، بهروز. ایزانلو، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و اضطراب پنهان در دانشجویان. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۴۷-۵۸.
۱۴. فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). آزمونهای روانشناختی. تهران: نشر بعثت.

ب) انگلیسی

1. Bandelow, B., Torrente, A., Wedekind, D., Broock, A., Hajak, G., & Ruther, E. (2004). Early traumatic life events, parental rearing style, family history of mental disorder, and birth risk factors in patients with social disorder. *Eur arch psychiatry cline neurosci*, 254, 397- 405.
2. Baranoff., & Tian. (2007). Young schema questionnaire: review of psychometric and measurement issues. *Australian. Journal of psychology*, 59, 78-86.
3. Bulik, c., Tozzi, F., Anderson, CH., Mazzeo, S:E., Aggen, S., & Sullivan, P (2003). The relation between eating disorders and components of perfectionism. *Am j psychiatry*, 160, 366- 368.
4. Kawamura, K., Hunt, S., Frost, R., & Dibartolo, P: M. (2001). Perfectionism, anxiety and depression: are the relationship independent. *Cognitive therapy and research*, 25, 191- 301.
5. Lieb, R., Wittchen, H., Hofler, M., Stat, D., Fuetsch, M., Stein, M., & Merikangas, K. (2007). parental psychopathology, parenting style and the risk of social phobia in offspring. *Archgen psychiatry*, 57, 859-866.
6. Overbeek, G., Have, M:T., Vollebergh, W., & Graaf, R:D. (2007). Parental lack of care and overprotection. *Soc psychiatry psychiair epidemiol*, 42, 87-93.
7. Roelofs, J., Meesters, C., Huume, M:T., Bamelis, L., & Muris, P. (2006). On the links between attachment style, parental rearing behaviors, and internalizing and externalizing problems in non- clinical children. *Journal of child and family studies*, 15 (3), 331-344.
8. Soenens, B., Elliot, A: G., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Duriez, B. (2005). The intergenerational transmission of perfectionism: parents psychological control as an intervening variable. *Journal of family psychology*, 19, 358-366.